تهافت مبنای جسم پیوستار با مثل افلاطونی

لذا در نظرتان باشد: مبنای آخوند در جسم، حرف ارسطو است. یعنی جسم را پیوسته می‌گیرند و اتمیست نیستند. درعین حال، قائل به مثل هستند. و حال آنکه به خیالم می‌رسد بین این دو مبنا تهافت است. لذا من می‌گویم پایه. شما اگر با جسم ارسطویی بخواهید مثل افلاطونی ترسیم کنید، به یک تهافت ذهنی می‌رسید. اما اگر با پایه‌محوری جلو بروید، قشنگ یک نظام صاف ترسیم می‌شود. یعنی مثل و تمام آن مطالب را با این نظام پایه‌محور، خیلی عالی ترسیم می‌کنید. اما با آن نظام جسم متصل واحد پیوسته، نمی‌توانید. البته علامه در نهایه فرمودهاند در زمان ما واضح شده که این قول ارسطو درست نیست. این را در نهایه فرمودهاند.

شاگرد: در جایی که بحث انرژی را مطرح می‌کنند؟

استاد: در جایی که بحث جسم را در ماهیات می‌آورند.

شاگرد: مرحله پنجم که می‌خواهد در مورد ماهیت جسم بگوید با ورود انرژی متفاوت می‌شود

استاد: الآن یادم نیست. ولی این را یادم هست؛ آن چه که یادم هست، این است که در جایی که اقوال راجع به جسم را می‌گوید، وقتی قول ارسطو را می‌گوید، به نظرم می‌گوید امروزه واضح شده که درست نیست. نظریه‌های اتمیست در علم، از نظریه‌هایی است که بشر پله‌ای پشت سرش خراب شده. به این معنا که این نظریه دیگر طوری نیست که یک روزی برگردیم و بگوییم باطل بود. بله، می‌توانیم به ترکیب برگردانیم؛ ترکیب هم حق است و باید هم برگردانده شود. ولی این اصل اتمیسم به این معنایی که شد، دیگر از چیزهایی است که بشر پله‌ای پشت سر خودش را خراب کرده است. یعنی اگر دوباره بخواهد برگردد و بگوید اطمینان داریم یک روزی برمی‌گردیم، اینطور نیست؛ اساساً اینجور نیست. هر کسی باید به مبادی آن فکر کند و خودش به اطمینان برسد.

شاگرد: یعنی باید در ترکیب پیوسته امتدادی بازنگری کنیم. بعد از اینکه... .

استاد: می‌توانیم دوباره به یک معنایی به ترکیبی که مکمل هم هستند، برگردانیم.

بازبینی #3
ایجاد شده 14 سپتامبر 2024 16:49:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 12:26:10 توسط ... .